

دانشنامه‌های سنجیده، مفید و مختصر*

[۱] *واژه‌نامه هنر شاعری*، میمنت میرصادقی: ذوالقدر، ویرایش سوم، کتاب مهناز، ۱۳۸۵، ۴۰۰ ص.

الف. ایرانیان در جهان به شعرگویی و شعر دوستی شهره‌اند و از آغاز شکل‌گیری زبان فارسی دری در مقام زبانی مکتوب و ادبی، تا امروز، که فراتر از دوازده سده را در برمی‌گیرد، شعرهای بسیار زیادی به این زبان آفریده و نوشته شده است. تا جایی که تصور می‌کنم همه عمر متوسط یک انسان برای مطالعه دقیق این شعرها، به‌هیچ‌روی، کفایت نمی‌کند. شعر فارسی، مانند شعر زبان‌های دیگر جهان، البته، فراز و فرودهایی دارد. اما به تأیید اغلب ادب‌شناسان ایرانی یا ایران‌شناس، گوهر شعر فارسی در جهان کم‌تر هم‌تایی در برابر خود شناخته است. در مقابل، اگر کلاهمان را قاضی کنیم، باید، بی‌درنگ، اعتراف کنیم که در زمینه شعرشناسی، از آغاز تا سده سیزدهم قمری، چنان‌که باید و شاید، گام‌های بلندی برنداشته‌ایم و آنچه از نیاکانمان در این زمینه برجای مانده است، بسیار اندک است و شاید، جز در مواردی چند، چندان مایه بهره‌وری و مباحثات هم نباشد. ما، با ورود به جهان و زمانه نو، به بررسی و پژوهش نظری و علمی در شناخت شعر روی آورده‌ایم. برخی از این بررسی‌ها و پژوهش‌ها استادانه و نکته‌سنجانه است و برخی دیگر نه. اما آیا این گام‌ها توانسته است در سخن‌سنجی نیز شأنی چون آفرینش شعری به ما بیخشد؟ نمی‌دانم. اما می‌دانم که در سخن‌سنجی کوششی به از این باید.

ب. *واژه‌نامه هنر شاعری*، که در عنوان فرعی‌اش «فرهنگ تفصیلی اصطلاحات فن شعر و سبک‌ها و مکتب‌های آن» نامیده شده است، در واقع، دانشنامه‌ای است سنجیده، مفید و مختصر درباره جوانب تاکنون شناخته‌شده شعر، و نه البته، زندگی و آثار شاعران. این *دانشنامه* دو ویژگی عمده دارد. یکی آن‌که مؤلف، شکل و چهارچوب و زبان *دانشنامه‌نگاری* را در حد تألیفی که در نظر داشته است، به‌خوبی، در نزد خویش تعریف کرده و بدان جامه عمل پوشانده است. دوم آن‌که وی هم سوابق و هم لواحق شعر ایران و جهان را، تا حد ممکن، مورد شناسایی و پژوهشی قرار داده و در *دانشنامه‌اش* حاصل و چکیده این شناسایی را به رشته تحریر درآورده است. منابع فارسی اثر شامل کتاب‌های نظری و تحلیلی و انتقادی و *دانشنامه‌های* قدیم و جدید است و ترجمه آثار بیگانه را هم شامل می‌شود. منابع غیر فارسی کتاب نیز *دانشنامه‌های* ادبی و انگلیسی و امریکایی معتبر نشریافته در دهه‌های ۱۹۶۰ تا ۱۹۹۰ میلادی است. شیوه ارجاع اثر، متناسب با این *دانشنامه* «سنجیده، مفید و مختصر»، کلی و در پایان هر مدخل است و فهرست دقیق منابع و مآخذ در پایان *دانشنامه* (صص ۳۹۹ - ۳۹۲) به‌دست داده شده است.

* نگاه نو (ش ۷۶، بهمن ۱۳۸۶، صص ۹۵ - ۹۴).

چاپ‌های اول و دوم است. در این ویرایش، بیش‌تر مدخل‌های چاپ‌های پیشین مورد تجدید نظر قرار گرفته، بعضی از آن‌ها گسترش یافته و بسیاری از مدخل‌ها با ذکر نمونه‌ها و مثال‌هایی کامل شده است. هم‌چنین، «این ویرایش، نسبت به چاپ اول، بیش‌از هفتاد و نسبت به چاپ دوم، نزدیک به سی مدخل اضافه دارد» (ص ۵). مؤلف این دانشنامه میمنت میرصادقی یا میمنت ذوالقدر (متولد ۱۳۱۶)، از شاعران شناخته‌شده نیمه دوم دهه ۱۳۳۰ به بعد در جریان شعر جدید فارسی، به‌ویژه، در مکتب سخن است. وی درس خوانده دو رشته زبان و ادبیات فارسی (کارشناسی) و کتابداری (کارشناسی ارشد) است و علاوه بر شعرگویی، در آغاز، به آموزگاری و سپس به کتابداری مشغول شد. تجربه کتابداری، به‌درستی، به مؤلف آموخته است که کتاب‌های راهنما برای اهل مطالعه و تحقیق در سطح‌های مختلف، تا چه حد مفید و کارساز است» (ص ۸).

ت. بی‌تردید، کوشش مؤلف این دانشنامه یک‌جلدی کوچک برای رسیدن به تصویر و تصویری پُرانسجام از حد و حدود آنچه از روزگار قدیم تاکنون در ایران و جهان به نام «شعر» رقم خورده است، کوششی کامیاب است. با این‌همه، مایلیم، با فروتنی، چند ملاحظه پیشنهادی یا اصلاحی خود را در پایان این نوشته بیاورم. زیرا، دانشنامه‌ها یا واژه‌نامه‌ها، همراه با گسترش دانش و پژوهش، همواره، درخور ویرایش و پیرایش جلوه می‌کند. البته، وجود ملاحظه‌هایی از این دست، از اهمیت کتابی که موضوعی بسیار گسترده را در تحقیق و تالیفی ادبی تعهد کرده است، به‌هیچ‌روی، نمی‌کاهد.

* جای چند مدخل در این دانشنامه خالی است: «غزل نو» (در ذیل مدخل «غزل»، ص ۲۲۶، تنها به اشاره‌ای در این زمین اکتفا شده است): «رنگ محلی» یا «رنگ اقلیمی» در شعر؛ «شعر فکاهی»؛ «مطایبه»؛ «جسیه» یا «جسیه‌سرایی» (زندان‌نامه یا زندان‌نامه‌سرایی).

* به جای «تکنیک ادبی» (ص ۲۱) می‌توان از «شگرد ادبی» یا «صنعت ادبی» سخن گفت و به جای «شاعره» (صص ۴۴ - ۴۳) از «شاعر زن». به جای «چرند و پرند» (ص ۹۵) هم باید «چرند پرند» گفت.

* در ذیل مدخل «پارادوکس» (صص ۶۴ - ۶۳) از دو برابر نهاد آن، «مهمَل‌نما» و «متناقض‌نما» یاد شده است. درخور یادآوری است که چند تن از دانشوران معاصر برابره‌های دیگری برای آن پیشنهاد کرده‌اند یا به کار برده‌اند: «خلاف مشهور»^۱، «ناسازنما»^۲، «خلاف آمد عادت»^۳.

* آشکار نیست که چرا مدخل «تقطیع» (صص ۱۰۰ - ۹۹) در شعر جدید، تنها به «شعر مثنوی» منحصر شده است. مثالی که در پایان این مدخل به دست داده شده است، البته، بخشی از یک شعر نیمایی است!

* تعبیر «تکه‌گذاری» (ص ۱۰۱) در برابر collage، شاید، چندان رسا نباشد. به نظر می‌آید collage در شعر فرنگی، نوعی «تضمین» افراطی یا «چهل تکه» بودن شعر باشد.

۱. برای شناسایی و بررسی و نمونه شعر میمنت میرصادقی ر. ک: به‌رغم پنجره‌های بسته (شعر معاصر زنان، کامیار عابدی، کتاب نادر، ۱۳۸۰، صص ۷۳ - ۷۹؛ ۱۶۸ - ۱۷۲).

۲. نگارش و ویرایش (احمد سمیعی گیلانی، سمت، ج ۷، ۱۳۸۵، ص ۸۲، ج ۱، ۱۳۷۸).

۳. فرهنگ علوم انسانی (انگلیسی به فارسی، داریوش آشوری، مرکز، ج ۳، ۱۳۸۱، ص ۲۶۱، ج ۱، ۱۳۷۴).

۴. تعبیر از نظامی گنجه‌ای است و پس از او در بیتی از حافظ شهرتی وسیع یافته است (حافظنامه، بهاءالدین خرمشاهی، علمی و فرهنگی - سروش، ج ۳، ۱۳۶۸؛ ج ۲، ص ۹۳۲؛ ج ۱، ۱۳۶۶). اما به یاد ندارم که نخستین بار، چه کسی آن را در برابر paradox پیشنهاد کرده است.

نصوری‌شم، در ذیل مدخل «شعر مثنوی» (صص ۲۰۱ - ۲۰۰) اشاره به دو شکل متمایز این نوع شعر، یعنی «گین» (مثل ششمند شاملو) و «غیر آهنگین» (مثل شعر بیژن جلالی) ضروری باشد.

رخ مدخل هند دو مدخل «انواع ادبی»^۱ (صص ۴۰ - ۹۳) و «شعر مهمَل»^۲ (ص ۲۰۲)، که می‌توان «شعر بی‌معنا»^۳ مید، زیاده از مختصر، و شایسته گسترش است.

نمونه‌های زیاده از سرودهای محمود کیانوش در مدخل‌های مختلف آورده شده است، نشان از انس و عقیده به شعر و... حتی در ذیل مدخل «شعر هجایی» (ص ۲۰۶) با آن‌که نمونه‌های شعر هجایی یحیی دولت‌آبادی

القاسم لاهوتی^۴ بیشتر دارد، نمونه‌ای از شعر هجایی کیانوش نقل شده است. میرصادقی در ذیل مدخل «شعر نیمایی» (صص ۱۷۵ - ۱۷۵) از کیانوش و نیز ژاله اصفهانی، در کنار عده‌ای از شاعران نامور و برجسته نوگرا، با

«مهم‌ترین شاه‌دوره معاصر» یاد کرده است. آیا مؤلف در این زمینه از احتیاط پژوهشی دور نشده است؟ و نوشتن مدخل «شعر آشوب» (صص ۲۱۱ - ۲۰۹) از تنها تألیف موجود در این زمینه استفاده‌ای نشده است.^۳

یا بهتر نبود Letteris (صص ۲۶۳ - ۲۶۴) در ذیل «حروف‌گرایی» می‌آمد و نه «لتریس»؟

یا نباید عنوان مدخل «نقد» (صص ۳۱۸ - ۳۱۰) و «نقد، تاریخچه» (صص ۳۲۱ - ۳۱۸) برای دقت بیش‌تر به «نقد» تغییر داده شد.

در ذیل مدخل «نظم» (صص ۲۹۸ - ۲۹۹) از منظومه آوازه‌های خاکستر (محمدرضا طاهریان، ۱۳۷۸) در کنار ریه‌هایی از قیامچ، م. امید، سیاوش کسرای و سهراب سپهری، با تعبیر «منظومه‌های خوب معاصر» یاد شده است. مؤلف در این «از احتیاط پژوهشی دور نشده است؟

نام و نام‌خانوادگی عنوان و سال تولد و وفات شاعران و نویسندگان مورد اشاره در متن مدخل‌ها در فهرستی الفبایی صص ۳۶۷ - ۹۲ نام یافته است. این فهرست، از برخی کاستی‌ها و نادرتی‌ها تهی نیست:

قام‌های کوچکی فیروزکوهی و ه. ا. سایه و باشو (شاعر ژاپنی)، به ترتیب، عبارت است از عبدالکریم، هوشنگ، و ماتر.

سال وفات حسن‌میرزا زاده ایران شهر ۱۳۴۰، علی دشتی ۱۳۶۰، و جعفر خامنه‌ای ۱۳۶۲^۴ درست است.

سال تولد شوچنشی ۱۳۱۲، محمدنقی بهار ۱۲۶۵، ذبیح بهروز ۱۲۶۸، سیدمحمدحسین شهریار ۱۲۸۵، بدیع‌الزمان ان‌فر ۱۲۷۶، بش کسرای ۱۳۰۵، شمس کسمایی ۱۲۶۲، ابوالقاسم لاهوتی ۱۲۶۶، گلچین گیلانی ۱۲۸۸، ندرضا میرزاده^۵ ۱۲۷۲، فریدون مشیری ۱۳۰۵ و اشرف‌الدین نسیم شمال ۱۲۴۹ درست است.

آذرماه ۱۳۸۶، تهران

۱. ک: انواع ادبی (پس شمیسا، فردوس، ج ۸، ۱۳۸۰؛ ج ۱، ۱۳۷۰).

۲. مقاله در این باره، ج. اورول و گ. ک. چسترتون به فارسی ترجمه شده است: نشانه‌شناسی مطایبه (تألیف و ترجمه احمد اخوت، ها: اصفهان، ۱۳۷۱، ص ۱۷۳ - ۱۵۷).

۳. تهر/شوب در شعری (احمد گلچین معانی، ۱۳۴۶).

۴. نقل از گفت‌وگویش (تهران - تبریز، ۱۳۸۲) با جمشید علیزاده؛ پژوهشگر و کوشنده ادبی اهل و مقیم تبریز.